

## منابع اسراییلیات در ادبیات فارسی

نصر الله امامی

دیوان کمتر شاعری است که در آن اشاره‌ای به سحر سامری ویدیضای موسوی و داستان نوح و ابراهیم و آتش نمرود نباشد. همه اینها گونه‌هایی از تجلی پر مضمون‌ترین منبع ادب فارسی یعنی اسراییلیات است. تأثیر اسراییلیات در ادب فارسی و عربی فوق‌العاده چشمگیر است، در ادب فارسی اسراییلیات از لحاظ وسعت دامنه تأثیر بر نصرائیات یا به بیانی عامتر عناصر مسیحی و نیز هندی و یونانی برتری دارد و جلوه‌های آن یا به صورت منظومه‌هائیکست که یکی از اسطوره‌های سامی را در خود پرورانده و یا به گونه تلمیحات و تشبیهات و استعاراتی است که رونق صفحات زرین ادبیات ما شده و به ندرت هم در ضرب‌المثل‌ها خودنمایی کرده است.

ورود اسراییلیات به ادبیات فارسی از چند رهگذر صورت گرفته است، نخست قرآن و فرهنگ اسلامی و بعد از آن تلمود و ترجمه‌های تورات عوامل اصلی را تشکیل می‌دهند و در اینجا به خود جرئت می‌دهم و از عامل دیگری که تا کنون کمتر بدان اشاره شده است نیز نام می‌برم، آن عامل نفوسی قابل توجه از یهودیانی است که در ادوار مختلف در ایران می‌زیسته‌اند و هنوز نیز می‌زیند. این کسان اگر به‌طور مستقیم در ادبیات فارسی تأثیر نکرده باشند لااقل وسیله‌ای در گسترش اعتناء به اسراییلیات

و منابع راهنمایی و تشویق بوده‌اند .

### قرآن و اسرائیلیات

تا زمانی که فلسطین به دست رومی‌ها نیفتاده بود و سر بازان رومی معابد بیت المقدس را ویران نکرده بودند ، آنجا قرارگاه قوم یهود بود . بعد از ویرانی بیت المقدس در سال ۷۰ پیش از میلاد ، نوعی نشت و پراکنندگی بین ایشان به وجود آمد و به نقاط مختلف عالم از جمله شبه جزیره عربستان مهاجرت کردند . البته تاریخ مذکور را نمی توان به یقین زمان مهاجرت یهودیان به عربستان دانست ولی بی تردید نقطه اوج این مهاجرت‌ها شمرده می شود . به هر حال دیری نیاید که نفوذ یهودیان تاجر بی‌شمار در محیط عربستان از نظر مذهبی و اقتصادی و سیاسی توسعه گرفت . در مکه و مدینه و بیرون این شهرها صاحب قلعه‌ها و اماکنی شدند که امنیت آنها را در محیط بی امن عربستان آن روزگار تا حدودی تأمین می کرد . در بازارهای مکه چنان نفوذ و تأثیری ایجاد کردند که بواسطه آن تا مدت‌ها مجبور به درگیری با قبایل مقتدری چون « اوس » و « خزرج » و « قریش » شدند زیرا که از نظر اقتصادی و تجاری رقیب تازه نفسی برای این قبایل محسوب می شدند .

یهودیان مهاجر در زمینه مذهب خواه ناخواه با گسترش دادن یکتاپرستی یهودی راه را برای ظهور اسلام در اجتماع بت پرست عربستان آماده می کردند . این توسعه یهود تبعاً توسعه فرهنگ و اسطوره‌های یهودی را نیز باعث می شد و بدین جهت زمانی که قرآن مجید نازل گردید ،

بسیاری از عربها پیرامون داستانهای سلیمان و ابراهیم و نوح و دیگران اطلاعاتی داشتند و باز ظاهراً به همین علت است که قرآن جز در «سوره یوسف» غالباً از یسایه‌بران و انبیاء بنی اسرائیل بصورت تلمیح و دراستنتاجهای کلی یاد می‌کند و از بسیاری نیز نام نمی‌برد و آیه کریمه «ولقد ارسلنا رسلاً من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم من لم نقصص عليك...»<sup>۱</sup> اشاره‌ایست به موضوع مذکور. پس بنابراین آنچه در تفاسیر قرآن پیرامون داستانهای بنی اسرائیل آمده است باید بر مبنای تورات و تفسیرهای آن و روایات و اخبار و احادیث منقول از حضرت رسول اکرم (ص) و صحابه باشد. سخن غرض آلود «بر و کلمان» به جنبه‌هایی از این امر اشارت دارد، وی می‌گوید: «عبداللہ بن عباس ... بعد از کشته شدن علی (ع) در مقابل دریافت پولهای بیت‌المال بصره با معاویه بیعت کرد چون وسیله و راهی برای اشتغال به امور سیاسی نداشت به مطالعه اخبار و احادیث پرداخت و مقداری مطالب نادرست و مجعول که از یهودی جدیدالاسلامی آموخته و یا از تلمود اقتباس کرده بود بر این اخبار و احادیث افزود.»<sup>۲</sup>، بنابراین تورات و تلمود منابعی است برای تحقیق پیرامون آن مقدار از اسرائیلیات که جلوه‌های آن را در ادب فارسی و فرهنگ اسلامی می‌بینیم ولی نشانی از آنها در قرآن نمی‌یابیم.

سخن پیرامون ترجمه‌های تورات به عربی از بحث ما خارج است، اما ترجمه‌های فارسی آن نیز چندان شناخته نیست. ظاهراً در حال حاضر می‌بایستی نسخه‌هایی از ترجمه‌های فارسی تورات در کتابخانه‌های «واتیکان» و دیگر کشورهای اروپایی وجود داشته باشد. نگارنده این سطور چند سال

۱- سوره جهلم آیه ۷۸ .

۲- تاریخ ملل و دول اسلامی، ص ۱۴۱ .

پیش از این در ضمن تحقیق پیرامون احوال «محمد کاظم» صاحب «عالم آرای نادری» در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به ترجمه‌ای از تورات برخورد که در دوره نادرشاه زیر نظر صاحب عالم آرا و به کمک چند دانشمند یهودی تهیه شده بود، این نسخه عکسی فعلاً نیز در آن کتابخانه موجود است. قدیمی‌ترین چاپ ترجمه تورات به زبان فارسی و به خط عبری در سال ۱۵۴۶ میلادی در استانبول انتشار یافت.<sup>۱</sup> ترجمه کتابهای «اشعیا» و «ارمیا» و «امثال سلیمان» نیز سابقه‌ای نسبتاً قدیمی دارد. به هر حال ترجمه‌های تورات نمی‌بایستی از نظر شعرای فارسی و مورخین و محققین اخبار و سیر ناشناخته بوده باشد.

### یهودیان ایران و اسرائیلیات

تأثیرپذیری ادبیات فارسی بعد از قرآن که بقول نظامی عروضی «آیتی کار ولایتی می‌کرد»، شامل تورات و یهودیان ساکن ایران می‌شود. سابقه وجودی و ورودی یهودیان ایران را بایستی در ادوار پیش از اسلام جستجو کرد. «در کشورهای ساسانی که به تصرف مسلمین درآمد، یعنی خراسان و ماوراءالنهر شماره یهودیان بسیار زیاد بود چه آنها با استفاده از ساده لوحی مردم، تاجران هندی را به تهمت مشرک بودن از میدان بدر برده و خودشان به دستاویز اینسکه موحد هستند جای آنها را غصب کرده به فعالیت‌های اقتصادی ادامه می‌دادند»<sup>۲</sup>.

۱- برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به مقاله «ترجمه‌های فارسی تورات و انجیل» در مجله راهنمای کتاب سال دوم شماره ۵.

۲- زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ص ۱۷۱. برای اطلاع بیشتر از وضع یهودیان ایران در دوره‌های پیش از اسلام مراجعه کنید به کتاب «تاریخ یهود ایران» تألیف دکتر حبیب لوی، جلد اول، تهران ۱۳۳۴.

یهودیان در دوره‌های اسلامی در محله‌های مخصوصی از هر شهر می‌زیستند که آنها را «یهودیه»<sup>۱</sup> یا «یهودان» می‌نامیدند. مشهورترین این یهودیه‌ها «یهودیه» اصفهان بود که یاقوت حموی در «معجم البلدان» و احمد بن یعقوب در «البلدان» از آن یاد می‌کنند. «مقدسی» و «ابن حوقل» در ضمن سخن از یهودیه اصفهان آن را از لحاظ وسعت و جمعیت به اندازه تمامی همدان می‌دانستند. «مقدسی» علت انتخاب اصفهان را بوسیله یهودیان در شباهت نسبی آب و هوای آن با بیت المقدس می‌داند.<sup>۲</sup> اهمیت یهودیه اصفهان به حدی بوده است که در حمله تازیان به آن شهر، «عبدالله بن بدیل» و «احنف بن قیس» مأمور تصرف آن شدند و ظاهر امر نشان می‌دهد که اعراب عاقبت با ساکنان آنجا از در صلح درآمدند.<sup>۳</sup> صاحب «البلدان» از «یهودان» فاریاب نیز یاد می‌کند.<sup>۴</sup>

تعداد یهودیان را در شهرهای ایران با ارقام مبالغه آمیزی ذکر کرده‌اند، این ارقام که متعلق به چند قرن پیش است در عین مبالغه آمیز بودن، گویای کثرت نفوسی تواند بود. نوشته‌اند که «در همدان ۳۰ هزار نفر و در اصفهان ۱۵ هزار نفر و در شیراز ۱۰ هزار نفر و در غزنه ۸۰ هزار نفر و در سمرقند نیز ۳۰ هزار نفر یهودی سکونت داشتند... علاوه بر این يك شهر یهودی نشین در اصفهان و یکی در مرو و یکی در بلخ وجود داشت.»<sup>۵</sup> معصومعلیشاه می‌گوید که در «بستان السیاحه» آمده است که بخارا را هزار

۱- معادل «Ghetto» که به محله‌های یهودی نشین اروپا اطلاق می‌شود.

۲- The Lands of Eastern Caliphate. P. 203.

۳- تاریخ نهضت‌های ملی در ایران، ص ۷۸ و ۷۹.

۴- البلدان، ترجمه شادروان دکتر آیتی، ص ۶۲.

۵- زندگی مسلمانان در قرون وسطی، ص ۱۷۱.

باب خانه یهود بوده است<sup>۱</sup>. البته بر این تعداد بایستی یهودیان قم درازمنه پیشین و یهودیان قریه «چاکان» را نیز که ظهیرالدین مرعشی در «تاریخ گیلان و دیلمستان» از آن یاد می‌کند، اضافه نمائیم.

در مورد یهودیان بلخ به جهت اهمیت آن، مطلب را اندکی بسط می‌دهیم. پیش ازین بیان شد که در بلخ يك شهر یهودی نشین وجود داشته است، در مورد کثرت یهودیان بلخ در اشعار «ناصر خسرو» اشاراتی می‌یابیم. شادروان استاد بدیع الزمان فروزانفر در «سخن و سخنوران» اشاره می‌فرماید که کثرت یهودیان بلخ در اطلاعات وسیع ناصر خسرو از عقاید یهود مؤثر بوده است. بلخ دارای هفت دروازه بوده است که یکی از دروازه‌های آن را «باب الیهود» می‌گفتند<sup>۲</sup>. در تأیید سخن خود پیرامون تأثیر نفوس یهودی در ادب فارسی متذکر می‌شویم که قدیم‌ترین منظومه فارسی پیرامون اسطوره ساهمی «یوسف وزلیخا» برای نخستین بار بوسیله «ابوالمؤید بلخی»<sup>۳</sup> به رشته نظم درآمده است و بعید است که تصور کنیم وجود یهودیان بلخ در پرورده شدن این داستان به زبان المؤید بلخی بی‌تأثیر بوده است، چه شاید این داستان و داستان‌های دیگر بنی اسرائیل در نقاط بسیاری که مانند بلخ از هم‌شهریان خود متأثر بوده‌اند باشاخ و برگ فراوان بین مردم رواج داشته است.

یهودیان ایران می‌توانسته‌اند برای محققان تاریخ و سیر نیز راهنماهای نیک و مراجع قابلی باشند که اینک ابوریحان بیرونی نیز خود

۱- طرائق الحقایق، ص ۶۸۲، ج ۳.

۲- The Lands of Eastern Caliphate. P. 421.

۳- برای اطلاع پیرامون این «یوسف وزلیخا» رک مقاله فاضلانۀ استاد دکتر

خیامپور در مجله دانشکده ادبیات تبریز سال یازدهم شماره ۳.

را از کسب اطلاع بوسیلهٔ چنین کسانی بی‌نیاز نمی‌دانسته است و «یعقوب بن موسی تفرشی» یهودی‌ای در گران پیرامون اخبار حضرت موسی به وی سخنانی گفته است که او نیز بدان‌ها اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> در اینجا ذکر این نکته بی‌ربط نخواهد بود که یادآوری کنیم که «ابن‌الندیم» نیز در تألیف بسیار پرارزش خود «الفهرست» اطلاعاتی پیرامون تورات و دیگر کتب مذهبی یهود از یک دانشمند یهودی کسب کرده است.<sup>۲</sup>

آثار بازماندهٔ یهود که به زبان فارسی و به خط عبری نگاشته شده است نشان دهندهٔ تحرك علمی و ادبی این قوم در ایران است. «خط عبری در نزد این قوم متداول بود و دوام داشت و فارسی یا گویشهای دیگر ایرانی را به آن خط می‌نوشتند و می‌خواندند»<sup>۳</sup> و «تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از اسناد و مدارک که قسمت اعظم آنها ترجمهٔ کتاب‌های دینی یهود است به خط عبری باقی است که از جهات گوناگون برای تاریخ زبان فارسی اهمیت فراوان دارد»<sup>۴</sup>. شادروان سعید نفیسی، «عمرانی شاعر» را که از یهود ایران و ساکن شیراز بوده است نام می‌برد و می‌نویسد که دیوان او را مطابق معمول دانشمندان یهود در ایران به خط عبری نوشته‌اند.<sup>۵</sup> در اینجا بایستی به قول استاد اضافه کرد که این شیوهٔ نگارش به خط عبری خاص دانشمندان یهود در ایران نبوده است بلکه، یهودیان خط عبری را بزرگترین مظهر قومی

۱- آثار الباقیة، ترجمهٔ اکبر داناسرشت، ص ۳۲۸.

۲- الفهرست، ترجمهٔ رضا تجدد، ص ۳۸.

۳- یادنامهٔ مینوی، مقالهٔ استاد دکتر پرویز خانلری بنام «فارسی به خط عبری» ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

۴- همان مأخذ، ص ۱۳۳.

۵- تاریخ نظم و نثر فارسی، ص ۸۹۸.

و مذهبی خود می‌دانسته‌اند و می‌خواستند به این ترتیب آن را در هر حال حفظ و نگهداری کنند چنانکه «ابن میمون قرطبی» نیز کتاب مشهور کلامی و فلسفی خود یعنی «دلالة الحائرين» را به زبان عربی و به خط عبری نوشت<sup>۱</sup>. در خاتمه معروض می‌دارم که آنچه مختصر پیرامون منابع اسرانیلیات بیان شد، مقدمه‌ایست برای موضوعی عمیق‌تر که «جلوه‌های اسرانیلیات در ادب فارسی» باشد و بررسی آن موضوع و تحقیق پیرامون ابعاد چندگانه‌ای که اسرانیلیات در آن تبلور یافته است محتاج مقاله‌ای جداگانه است.

### پاره‌ای از مآخذ این مقاله

- ۱- تاریخ ملل و دول اسلامی، تألیف بروکلمان، ترجمه دکتر هادی جزایری، تهران ۱۳۴۶.
- ۲- زندگی مسلمانان در قرون وسطی، تألیف علی مظاهری، ترجمه مرتضی راوندی.
- ۳- آثار الباقیه، تألیف ابویوحان بیرونی، ترجمه اکبر دانسا سرشت، تهران ۱۳۲۱.
- ۴- الفهرست، تألیف ابن‌الندیم، ترجمه رضا تجدد، تهران ۱۳۴۶.
- ۵- یادنامه مینوی، تهران، ۱۳۵۰.
- ۶- تاریخ نظم و نثر فارسی، تألیف سعید نفیسی، تهران ۱۳۴۴.
- ۷- فیلسوف ری، تألیف دکتر مهدی محقق، تهران ۱۳۴۹.
- ۸- تاریخ نهضت‌های ملی در ایران نوشته عبدالرفیع حقیقت، تهران ۱۳۴۸.
- ۹- البلدان تألیف احمد بن یعقوب، ترجمه دکتر آیتی، تهران ۱۳۴۷.
- ۱۰- طرائق الحقایق تألیف معصومعلیشاه، تصحیح دکتر محمد جعفر محجوب، تهران ۱۳۴۵.
- ۱۱- اليهود فی القرآن تألیف عقیف «عبدالفتاح طباره»، بیروت ۱۹۶۶.
- ۱۲- Islam. by Alfred Guillaum. Great Britain, 1956.
- ۱۳- The Lands of Eastern Caliphate. by Le, Strange. Cambridge, 1930.